

معرفی کتاب «شعر الإمام الحسن بن علی (ع)»

۲۶۹-۲۴۳



چکیده: در کلام رسول خدا (ص) و ائمه (ع) می توان استشهاد و تمثیل و بعضاً انشاد شعر را مشاهده نمود. آنچه انشاد شعر توسط ایشان را با شگفتی مواجه می سازد، آیتی از قرآن کریم است که در مذمت شعر و شاعری و دور بودن ساحت مقدس رسول خدا (ص) از آنها، نازل شده و گمان می رود که دامنه آن بعد از رسول خدا (ص)، شامل اهل بیت (ع) نیز گردد. تدقیق در اشعار منسوب به ائمه و بررسی صحت و سقم انتساب آنها، تلاشی مفید محسوب شده و تبیین نحوه انشاد و صحت اشعار منتسب به ایشان، علیرغم این منع قرآنی، فواید فراوانی برای اهل تحقیق به همراه خواهد داشت. نویسنده در مقاله پیش رو بر آن است تا ضمن بررسی مختصر این مسئله و ذکر نمونه هایی از اشعار منسوب به امام حسن مجتبی (ع)، به معرفی اثری در این حوزه با عنوان «شعر الإمام الحسن بن علی» اثر ابوالحسن مدائنی بپردازد.

کلیدواژه ها: معرفی کتاب، کتاب «شعر الإمام الحسن بن علی»، ابوالحسن مدائنی، ائمه اطهار، انتساب شعر، رسول خدا، شعر، اشعار، امام حسن مجتبی.

Introducing the Book «Poetry of Imam

Al-Hassan Ibn Ali»

Habib Rathi Tehrani

Abstract: Among the sayings of the Prophet Muhammad (PBUH) and the Imams (AS), one can see their references to poems, allegory, and sometimes saying poetry. What can be surprising about their saying poetry, is the verses from the Holy Quran that were revealed in condemnation of poetry and the necessity of the Prophet's avoidance from poetry, and it is believed that this prohibition would also include the Ahl al-Bayt (AS). Examining the poems attributed to the Imams and examining the correctness of this attribution is considered a useful effort and explaining the composition and accuracy of the poems attributed to them, despite this Qur'anic prohibition, will bring many benefits to researchers. In the following article, the author intends to briefly review this issue and mention examples of poems attributed to Imam Hassan Mojtaba (AS), and introduce a work in this field entitled «Poem of Imam Al-Hassan Ibn Ali» by Abul Hassan Madāinī. **Keywords:** Introduction of the book, the book «Poetry of Imam Al-Hassan Ibn Ali», Abul Hassan Madāinī, Imams, attribution of poetry, the Messenger of God, poetry, poems, Imam Hassan Mojtabā.

تعريف كتاب (شعر الإمام الحسن بن علي)

حبيب راثي الطهراني

الخلاصة: يلاحظ في النصوص الواردة عن رسول الله صلى الله عليه وآله وعن الأئمة عليهم السلام أنهم قد يستشهدون بالآيات الشعرية ويمثلون بها، بل قد يتشدون الشعر في بعض الأحيان.

وما يثير التعجب والاستغراب في إنشادهم للشعر، هي تلك الآيات القرآنية الواردة في ذم الشعر وكراهة إنشاده، ونزاهة مقام رسول الله صلى الله عليه وآله عن ذلك، وما يتبع ذلك من امتداد هذه النزاهة لتشمل أهل البيت عليهم السلام أيضاً.

ويُعدّ التدقيق في الأشعار المنسوبة إلى الأئمة والتدقيق في صحة وسقم هذا الانتساب أمراً مفيداً، خصوصاً إذا تضمن ذلك التدقيق بياناً لكيفية إنشادهم وصحة الأشعار المنسوبة لهم رغم هذا المع القرآني، حيث لا يخلو ذلك من الفوائد الحيمة لأهل التحقيق.

والكاتب في مقاله الحالي ضمن دراسته المختصرة لهذه المسألة وبيانه لنماذج من الأشعار المنسوبة إلى الإمام الحسن المجتبي عليه السلام يسعى للتعريف بأحد الآثار المعنوية بهذا الموضوع والذي يحمل عنوان (شعر الإمام الحسن بن علي) وهو من تأليف أبو الحسن المدائني.

المفردات الأساسية: تعريف الكتاب، كتاب شعر الإمام الحسن بن علي، أبو الحسن المدائني، الأئمة الأطهار، انتساب الشعر، رسول الله، الشعر، الأشعار، الإمام الحسن المجتبي.

مقدمه

شعر به مثابه دیوان قوم عرب است که تمام فرهنگ‌ها و سنت‌ها و آداب و رسوم، اجتماعیات، اخلاقیات و باورهای اعراب در مطاوی دوآوین و اشعار و قصاید ایشان نمود پیدا می‌کند و انشاد شعر و تمثیل به آن را می‌توان جزء ارکان سخن در لغت عرب دانست. از این رو سخنوران و نویسندگان همواره کوشیده‌اند تا آن را دست‌مایه فصاحت و بلاغت بیشتر سخن خود قرار دهند و شواهد شعری و سخنان منظوم را زینت افزای متون نثر و مقوم سخن و کلام خود کنند. اهل بیت (ع) نیز مستثنا از این سنت دیرینه نبودند. در کلام رسول خدا (ص)، امیرالمؤمنین و سایر ائمه (ع) نیز می‌توان استشهاد و تمثیل و بعضاً انشاد شعر را مشاهده کرد. باری، تمثیل به شعر در کلام اهل بیت (ع) سنت رایج و معمول عرب بود و غرابتی ندارد، ولی آنچه انشاد شعر توسط ایشان را با شگفتی مواجه می‌کند و آن را تحفه‌ای بس ارزشمند می‌گرداند، آیتی از قرآن کریم است که در مذمت شعر و شاعری و دور بودن ساحت مقدس رسول خدا (ص) از آنها نازل شده است و گمان آن می‌رود که دامنه آن بعد از رسول خدا (ص) شامل اهل بیت (ع) نیز شود. بنابراین توغل و تدقیق در اشعار منسوب به ائمه (ع) و بررسی صحت و سقم انتساب آنها تلاشی بس ارزشمند و مفید محسوب می‌شود و تبیین نحوه انشاد و صحت اشعار منتسب به ایشان با وجود این منع قرآنی، فواید فراوانی برای اهل تحقیق و ارباب ادب به همراه خواهد داشت. این مقاله بر آن است تا ضمن بررسی مختصر این مسئله و ذکر نمونه‌هایی از اشعار منسوب به حضرت امام حسن مجتبی (ع)، به معرفی اثری جدیدالانتشار در این حوزه با نام شعر الإمام الحسن بن علی (ع) بپردازد.

اهمیت شعر نزد اعراب

همان‌طور که گفته شد، شعر جایگاهی رفیع و مستحکم در بین اعراب داشته و دارد که قصائد معلقات سبع مَثَلِ اعلاى آن در زمان جاهلیت به شمار می‌رود. این هنر ظریف و دقیق با ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان بالیدن گرفت و شعرای عصر اسلامی توانستند با تمسک به قرآن کریم، حدیث نبوی و سخنان معصومین آثار ادبی و هنری گران‌قدر و تأثیرگذاری از خود به یادگار بگذارند. از این رو اهمیت شعر نزد عرب امری بسیار بدیهی می‌نماید که ارباب ادب را نیازی به تطویل در این باره نیست. نویسنده و ادیبی چون ابن قتیبه دینوری درباره اهمیت شعر نزد عرب می‌نویسد:

الشَّعْرُ مَعْدِنُ عِلْمِ الْعَرَبِ، وَسَفْرُ حِكْمَتِهِمْ، وَدِيَاؤُ أَخْبَارِهَا، وَمُسْتَوْدَعُ آيَاتِهَا، وَالسُّورُ
الْمَضْرُوبُ عَلَى مَائِزِهَا، وَالْحَنْدَقُ الْمَحْجُوزُ عَلَى مَفَاخِرِهَا، وَالشَّاهِدُ الْعَدْلُ يَوْمَ التَّفَارِقِ،
وَالْحُجَّةُ الْقَاطِعَةُ عِنْدَ الْخِصَامِ.^۱

همچنین در خصوص انتخاب اشعار و استفاده متناسب آن در سخن چنین گفته شده است:

شِعْرُ الرَّجُلِ قِطْعَةٌ مِنْ كَلَامِهِ، وَ اخْتِيَارُهُ، قِطْعَةٌ مِنْ عَقْلِهِ.^۲

از این رو جای شگفتی نیست که شعر را «دیوان عرب»^۳ گفته‌اند. ابوفراس حمدانی شاعر شیعه در دیوان خود در این باره چنین می‌سراید:

[در بحر معجزه کامل]

۱. الشِّعْرُ دِيْوَانُ الْعَرَبِ أَبْدًا، وَعَنْوَانُ النَّسَبِ
۲. لَمْ أَعْدْ فِيهِ مَفَاخِرِي وَمَدِيحَ آبَائِي النَّجَبِ
۳. وَمَقَطَّعَاتٍ رُبَّمَا حَلَيْتُ مِنْهُنَّ الْكُتُبِ
۴. لَا فِي الْمَدِيحِ وَلَا الْهَجَا ء وَلَا الْمُجْزُونَ وَلَا اللَّعْبِ ه

۱. شعر همواره محل گردآوری و ثبت مجموعه سنت‌ها و فرهنگ اعراب و عنوانی برای نام و نسب آنان بوده است.

۲. من هیچ‌گاه در شعر خود از ذکر افتخارات و مدح پدران نجیب و بزرگوارم صرف نظر نمی‌کنم.

۳. و چه بسا قطعات و قصایدی که با سرودن آنها کتاب‌های بسیاری را زینت داده‌ام؛

۴. و موضوع آنها نه در مورد مدح و هجو کسی و نه هزل و شوخی و بازی بوده است!

جاحظ در خصوص ماندگاری شعر نسبت به نظم، در تاریخ تراث ادب عربی در البیان و التبيين از قول رفاشی چنین نقل می‌کند:

وَمَا تَكَلَّمْتُ بِهِ الْعَرَبُ مِنْ جَيْدِ الْمَنْثُورِ، أَكْثَرَ مِمَّا تَكَلَّمْتُ بِهِ مِنْ جَيْدِ الْمَوْزُونِ، فَلَمْ يُحْفَظْ مِنْ الْمَنْثُورِ عَشْرَةٌ، وَلَا صَاعٌ مِنَ الْمَوْزُونِ عَشْرَةٌ؛^۴ آنچه اعراب از متون نثر فاخر بدان تکلم کرده و به سلك سخن کشیده‌اند، از جمله اشعار نغز و زیبایی که سروده‌اند بسیار بیشتر است، اما از همه متون نثر، جز یک‌دهم آن باقی نمانده و از تمام متون نظم، جز یک‌دهم آن از بین نرفته است.

این سخن مشعر به آن است که اعراب در حفظ و انتقال شعر و نظم نسبت به متون خطابه و نثر

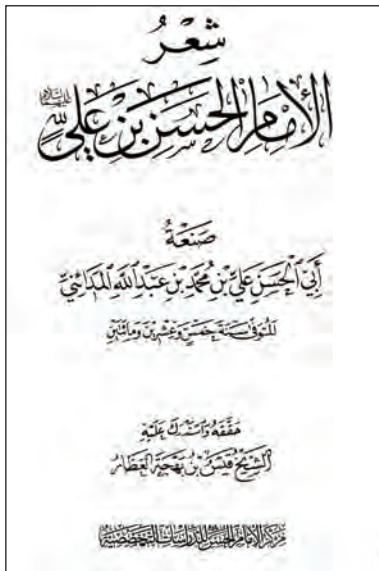
۲. البیان و التبيين، ج ۱، ص ۷۷.

۳. المعنی لابن قدامة، ج ۱۴، ص ۱۶۴.

۴. فعل مضارع متکلم معجزه از عدنی، یَعْدُو أَيْ خَلَا، غَيْر.

۵. دیوان ابی فراس الحمدانی، ص ۲۸.

۶. البیان و التبيين، ج ۱، ص ۲۸۷.



اهتمامی جدی تر داشته اند و از این رهگذر، بُعد دیگری از اهمیت شعر نزد عرب، آشکار می شود.

کتاب شعر الإمام الحسن بن علی (ع)

کتاب حاضر، مجموعه شعر حضرت امام حسن مجتبی (ع) است که به اهتمام ابوالحسن علی بن محمد بن عبدالله مدائنی (درگذشته به سال ۲۲۵ هجری قمری) گردآوری و تدوین شده و با تحقیق و استدراک جناب استاد شیخ قیس بهجت العطار و به همت مرکز تحقیقات تخصصی حضرت امام حسن مجتبی (ع) وابسته به عتبة مقدسه حسینیة (ع) در ۳۱۲ صفحه در سال ۱۴۴۰ ق/ ۲۰۱۹ م در شهر مقدس کربلا به زیور طبع آراسته شده است.

مخطوطه نسخه حاضر از اشعار حضرت امام حسن مجتبی (ع)

مربوط به اوایل قرن دوازدهم هجری است،^۷ اما پس از گردآوری اشعار حضرت امام حسین (ع) به همت ابومخنف، دیوان فوق کهن ترین مجموعه ای است که در مجموع اشعار ائمه اهل بیت (ع) تا کنون [به صورت تدوین شده و منظم] باقی مانده و به دست آمده است. این نسخه ضمن مجموعه ای به شماره ۷۰۵۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می شود و شامل چهار رساله زیر است: فهرست القواعد؛ شهید اول

اشعار حضرت امام حسن بن علی (ع) به روایت مدائنی

اشعار حضرت امام حسین بن علی (ع) به روایت ابومخنف

اشعار حضرت ابوطالب (ع) به روایت احمد بن عبدالعزیز الجوهری بنا بر آنچه در فهرست کتابخانه مندرج است، ولی پس از مراجعه به نسخه، اشعار حضرت ابوطالب (ع) در آن یافت نشده است.

جایگاه شعر نزد پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع)

جناب استاد شیخ قیس العطار محقق محترم کتاب شعر الإمام الحسن بن علی (ع) مقدمه ای مبسوط و مستوفی در باب جایگاه شعر نزد پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) نوشته است که مطالب بسیار مفیدی در تبیین علل و نحوه انشاد شعر توسط اهل بیت (ع) و تحسین اشعار نیکو و تشویق شعرای مکتبی در آن ارائه شده است که به منظور استفاده خوانندگان محترم این مقاله، گزیده ای از ترجمه آن در ادامه تقدیم می شود.

۷. این دیوان در ضمن مجموعه ای شامل چهار رساله است که بنا بر نوشته ناسخ، کتابت رساله نخست آن، با عنوان فهرست القواعد از شهید اول در تاریخ ۱۱ ذی القعدة سال ۱۱۰۸ هجری قمری به پایان رسیده است.

شعر از ابتدا جایگاه رفیعی نزد پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) در دفاع از دین اسلام و حریم معنوی پیشوایان آن داشته است. شعرا از همان ابتدا با الهام گرفتن از آیات قرآن و استفاده از کلمات و معانی آن، جانی تازه به شعر عرب بخشیدند که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در شعر شاعرانی چون حسان بن ثابت، کعب بن زهیر، نابغه جعدی و دیگران یافت. از این رو می‌توان به روشنی مشاهده کرد که سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) تشویق شعر نیکو و مکتبی، اعطای صله و تکریم شعرای مدافع حقیقت بوده است.

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود:

إِنَّ مِنَ الشَّعْرِ لِحِكْمًا: همانا برخی از اشعار مضمونی حکمت‌آمیز دارند.

سیره ایشان چنان بود که منبری برای حسان بن ثابت قرار داده بودند تا او در هجای هر شاعری که رسول خدا (ص) یا مسلمانان را هجو کرده بود، شعر بگوید. همچنین کعب بن زهیر قصیده مشهور خود با مطلع «بَأَثْتُ سَعَادًا فَقَلْبِي الْيَوْمَ مَثْبُوتٌ»^۸ را در مسجد برای حضرت خواند.

عمرو بن شرید می‌گوید: روزی رسول خدا (ص) مرا بر ترک مرکب خویش سوار کرد و فرمود: آیا از اشعار امیه بن ابی الصلت چیزی به خاطر داری؟ گفتم: بله و بیتی از او را برای حضرت خواندم. پس فرمود: «هیئه». ^۹ پس بیتی دیگر خواندم و باز فرمود: «هیئه» تا اینکه یکصد بیت برای آن حضرت خواندم... و در مباح بودن شعر هیچ رأی خلافی نیست، در حالی که بسیاری از صحابه پیامبر (ص) و علما به سرودن آن مبادرت ورزیده‌اند. نیاز به شعر سبب روی آوردن به آن است تا بتوان در فهم لغت و عربیت از آن بهره برد و در تفسیر قرآن به درستی به اشعار مربوط استشهاد و معانی کلام خدا و رسول (ص) بهتر تبیین کرد. همچنین با استفاده از شعر بر [صحت] انساب، تاریخ و رویدادهای مهم اعراب نیز استدلال می‌شود. از این رو شعر را دیوان العرب گفته‌اند.^{۱۰}

پیامبر اکرم (ص) به حسان بن ثابت فرمود:

مشرکان را با شعر خود هجو کن که همانا جبرئیل در این کار همراه توست.^{۱۱}

علامه امینی می‌نویسد:

پیامبر اکرم (ص) جهاد را برای شعرا این‌گونه به تصویر می‌کشید و می‌فرمود: «در مقابل

۸. سعاد رفت و دل من در فراق او بیمار عشق و شیدای محبتش شده است.

۹. عبارتی است که عرب به منظور تشویق و بیان خشنودی و بهجت خاطر به زبان می‌آورند و معادل آن را در فارسی می‌توان «آفرین» یا «به‌به» دانست.

۱۰. المغنی لابن قدامة، ج ۱۴، ص ۱۶۲-۱۶۴.

۱۱. نگاه کنید به: مسند أحمد، ج ۴، ص ۲۹۹.

هجو [مشرکان و دشمنان اسلام، آنها را با شعر خود هجو کنید. همانا مؤمن با جان و مال خویش جهاد می‌کند و سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، گویی شما [با این اشعار هجو آمیز] آنها را هدف تیرهای خود قرار می‌دهید.^{۱۲}

از عبدالله بن الفضل الهاشمی نقل شده است که حضرت امام جعفر صادق (ع) فرمود:

هر کس برای ما اهل بیت، بیت شعری بگوید، خدا به ازای آن یک بیت، خانه‌ای در بهشت برای او بنا می‌کند.^{۱۳}

همچنین سایر ائمه (ع) نیز نه تنها به تشویق شعرا پرداخته‌اند، بلکه هر کدام یک یا چند شاعر مخصوص به خود داشته‌اند، اما شعرای رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین (ع) فراوان بوده‌اند و تاکنون اسامی و اشعار بیش از دویست شاعر امیرالمؤمنین (ع) را شناسایی و جمع کرده‌ایم که مشهورترین آنها قیس بن عمرو النجاشی شاعر اهل عراق در جنگ صفین است.^{۱۴}

ابن صباغ مالکی شاعر حضرت امام حسن مجتبی (ع) را زنی به نام ام سنان المذحجیة معرفی کرده^{۱۵} و نام دو شاعر [مشهور] دیگر به نام‌های قیس بن سعد بن عبادة الأنصاری و حُجر بن عَدِي الكِندي را نیاورده است.

شاعر حضرت امام حسین (ع) یحیی بن الحکم و گروهی دیگر از شعرا بودند.^{۱۶}

دو شاعر حضرت امام سجاد (ع) فرزندق و کُثَیر عَزَّة بودند.^{۱۷}

دو شاعر حضرت امام محمد باقر (ع) کمیت و سید حمیری بودند.^{۱۸}

شاعر حضرت امام صادق (ع) سید حمیری بود، ولی صاحب الفصول المهمة نام شعری چون جعفر بن عقیان الطائی، منصور التمری و سفیان بن مصعب العبدي الکوفی و برخی دیگر را نیاورده است.^{۱۹}

شاعر حضرت امام موسی کاظم (ع) سید حمیری بود.^{۲۰}

۱۲. الغدیر، ج ۲، ص ۷.

۱۳. نگاه کنید به: عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۵، ح ۱.

۱۴. دیوان نجاشی به طور مستقل توسط جناب استاد شیخ قیس العطار به طبع رسیده است. (نگاه کنید به: دیوان قیس بن عمرو النجاشی در بخش منابع)

۱۵. نگاه کنید به: الفصول المهمة، ص ۱۵۳.

۱۶. نگاه کنید به: الفصول المهمة، ص ۱۷۱.

۱۷. همان، ص ۲۰۱.

۱۸. همان، ص ۲۱۱.

۱۹. همان، ص ۲۲۳.

۲۰. همان، ص ۲۳۲.

شاعر حضرت امام علی بن موسی الرضا (ع) دعبل بن علی الخزاعی بود.^{۲۱}

شاعر حضرت امام محمد الجواد (ع) حمّاد بود.^{۲۲}

دو شاعر حضرت امام هادی (ع) العونی و الدیلمی بودند.^{۲۳}

شاعر حضرت امام حسن عسکری (ع) ابن الرومی بود.^{۲۴}

اما امام غائب حضرت حجة بن الحسن العسکری که تا به امروز تمام شعرای شیعه شاعر و ثناگوی آستان مقدسش هستند.

انشاد شعر و استشهاد به آن توسط معصومین (ع)

در ابتدا باید متذکر این نکته شویم که رسول خدا (ص) به دلیل آیه مبارکه «وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ»^{۲۵-۲۶} از این بحث مستثناست و آنچه از اشعار آن حضرت روایت شده، مانند اشعار زیر در بحر رجز که در جنگ حنین از آن حضرت نقل شده و ممکن است گمان شاعر بودن حضرت را تقویت کند، پس جواب‌هایی معین و مشخص دارد که در جای خود بیان خواهد شد:

[در بحر رجز]

أَنَا النَّبِيُّ لَا كَذِبَ أَنَا ابْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ^{۲۷}

به راستی من پیامبری برحق هستم و دروغین نیستم. من فرزند عبدالمطلب [بزرگ قبیله قریش] هستم.

امثال این ابیات و اشعار، تنها رجزهایی شبیه به نثر هستند که بسیاری از ارباب عروض آنها را شعر ندانسته و در زمره شعر نشمرده‌اند. به همین سبب افراد «شاعر» و «راجز» را از یکدیگر تفکیک می‌کنند؛ زیرا زمانی که کلام کوتاه به طور تصادفی و بدون قصد انشاد شعر، وزن و قافیه پیدا کند، به آن شعر گفته نمی‌شود^{۲۸} و هیچ متکلمی را نمی‌توان یافت که در طول عمرش بدون اینکه شاعر باشد

۲۱. همان، ص ۲۴۴.

۲۲. همان، ص ۲۶۶.

۲۳. همان، ص ۲۷۸.

۲۴. همان، ص ۲۸۵.

۲۵. بیس: ۶۹. معنای آیه: «و او را شعر نیاموخته‌ایم و در خور وی نیست».

۲۶. در ترجمه آیات قرآن کریم از ترجمه استاد کریم زمانی استفاده شده است.

۲۷. روایت شده است که حضرت شعر را بدین صورت خواند [تا از صورت شعری و نظم خارج شود]: «أَنَا النَّبِيُّ لَا كَذِبَ أَنَا ابْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ» که بدین ترتیب نه شعر باشد و نه رجز. (نگاه کنید به: بحار الأنوار، ج ۹، ص ۱۴۰ و شعر الإمام الحسن بن علی، ص ۲۱ و الذُّرُّ الثَّمِين، ص ۲۳ و ۶۴)

۲۸. البهوتی در کشف القناع، ج ۵، ص ۲۵ می‌گوید: و اما قول حضرت که فرمود: «أَنَا النَّبِيُّ لَا كَذِبَ أَنَا ابْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ» و مانند آن را نمی‌توان شعر دانست؛ زیرا سخنی است که بدون قصد انشاد شعر موزون شده است و همه عالمان علم عروض و ارباب ادب بر این اتفاق نظر دارند که انشاد شعر جز با قصد قبلی شکل نمی‌گیرد، ولی درباره رجز با هم اختلاف دارند که آیا می‌توان آن

یا نیت انشاد شعر داشته باشد، برخی سخنانش موزون و با وزن و قافیه همراه نباشد، در حالی که در قرآن کریم نیز همانند آن آمده است، مانند آیات شریفه ذیل:

وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ.^{۲۹}

وَيُخْرِجُهُمْ وَيَنْصُرُكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِي صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ.^{۳۰}

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثِرَ.^{۳۱}

لَنْ نَتَّالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تَحِبُّونَ.^{۳۲}

ملاحظه می‌شود که در عین حال که کلام [موزون] است، همچنان به نثر بوده و جزء آیات قرآن شمرده شده است.^{۳۳} مضاف بر اینکه بسیاری از محققان جدید و همچنین صاحب نظران قدیمی، اصل وجود عنصر «خیال» و «تخیل» را در [انعقاد صورت و معنای] شعر شرطی ضروری دانسته‌اند،^{۳۴} در حالی که نه در آیات قرآن کریم و نه در سخنان [موزون] پیامبر اکرم (ص) این شرط به هیچ وجه رعایت نشده است.

دلایل موجود نشان می‌دهد که حتی یک حدیث هم مبنی بر عدم جواز یا منع انشاد شعر توسط ائمه (ع) وجود ندارد. بنابراین اصل [حکم] در خصوص انشاد شعر توسط ایشان، مباح بودن آن است و اگر انشاد شعر در خصوص رسول گرامی (ص) به دلیل خاصی ممنوع شده، [این دلیل اختصاص به ایشان دارد] و درباره ائمه (ع) منتفی است.

راوندی می‌گوید:

همانا رسول خدا (ص) از انشاد و سرودن شعر معاف شده بود و خداوند به وی چنین دستوری داده بود تا کفار گمان نکنند که قرآن [نیز] از گفته‌های خود اوست و قلب و زبانش برای انتقال کلام وحی و قرآن خالص شود و آیات قرآن از [شائبه دخالت] صنعت و فون شعری مصون بماند؛ زیرا مشرکان درباره قرآن می‌گفتند که همانا قرآن شعر است،

را [نوعی] شعر دانست یا خیر؟

۲۹. سیأ: ۱۳. [آن جتینا برای حضرت سلیمان (ع)] کاسه‌هایی بزرگ به اندازه حوض‌ها و دیگ‌های بزرگ و استوار [که از فرط بزرگی و سنگینی غیرقابل انتقال بود] فراهم می‌آوردند.

۳۰. التوبة: ۱۴؛ تا خداوند خوارشان کند و شما را بر ایشان پیروز گرداند و دل‌های گروه مؤمنان را آرامش دهد.

۳۱. الكوثر: ۱؛ به راستی که ما به تو خیر بسیار داده‌ایم.

۳۲. آل عمران: ۹۲؛ هرگز به [گوهر راستین] نکوکاری نخواهید رسید، مگر آنکه از آنچه دوست می‌دارید انفاق کنید.

۳۳. نگاه کنید به: الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۰۵۱؛ والمغنی لابن قدامة، ج ۱۲، ص ۵۳.

۳۴. ابن عطية در المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز ج ۴۴، ص ۴۶۲ می‌گوید: و همانا منع کردن خداوند رسول خدا را از انشاد شعر [و شاعری] نبود مگر برای بالاتر بردن مقام وی نسبت به آنچه از سخنان خیال‌انگیز و دروغ‌پردازانه در اشعار شاعران وجود داشت.

در حالی که می دانستند شعر نیست و اگر پیامبر اکرم (ص) مشهور به سرودن شعر و شاعری می بود، با وی دشمنی می کردند و شاعری را برای او عیب برمی شمردند.^{۳۵}

ولی با گسترش اسلام و ثبت آیات قرآن و ایمان مردم به آن، دیگر این علت درباره ائمه (ع) وجود [و مصداق] نداشته و هیچ فردی نیست که مانند مشرکان قائل به شعر بودن قرآن باشد. بنابراین منع سرودن شعر برای پیامبر به دلیل خاتمیت ایشان و معجزه بودن قرآن کریم بوده است تا با منع انشاد شعر توسط پیامبر (ص) به دستور خدا، جای خطور هیچ گونه شبهه و سرزنشی برای مشرکان و معارضان وجود نداشته باشد، ولی این ممنوعیت درباره ائمه (ع) منتفی است.

موضوعی که ادعای فوق را اثبات می کند این است، در حالی که پیامبر (ص) حتی یک بیت شعر هم نسرد، بر خلاف وی، ائمه (ع) هم شعر روایت می کردند، هم خود شعر می سرودند و هم در سخنان، خطابه ها، نامه ها و کتاب های خود به اشعار [سایر شعرا] استشهد می کردند.

استشهاد ائمه اطهار (ع) به شعر

استشهاد ائمه (ع) به شعر در خطبه ها، سخنان، کتاب ها و نامه هایشان ثبت شده است. حضرت امام حسن مجتبی (ع) در نامه ای به معاویه چنین فرمود: اما بعد، ... پس حکایت تو همانند کسی است که یکی از شاعران گذشته درباره اش گفته است:

[در بحر طویل]

۱. وَقُلْ لِلَّذِي يَبْغِي خِلاَفَ الَّذِي مَضَى تَجَهَّزْ لِأَخْرَى مِثْلَهَا فَكَأَنَّ قَدِ

۲. وَإِنَّا وَمَنْ قَدْ مَاتَ مِنَّا لَكَالَّذِي يَزُوحُ وَيُمْسِي فِي الْمَبِيتِ لِيُعْتَدِي^{۳۶}

۱. به کسی که در پی رفتن راهی مخالف راه درگذشتگان است [یعنی خواهان زندگی بوده و از مرگ گریزان است] بگو: خود را برای مرگی همانند مرگ دیگران آماده کن. گویا که هم اکنون زمان آن فرارسیده است.

۲. و همانا ما و پیشینیان مرحوم ما، مانند کسی هستیم که شب را تا صبح در منزلگاهی بیتوته می کند تا بامدادان از آن منزل نیز کوچ کند [و به منزلگاهی دیگر برسد].

این طریقی است که همه ائمه (ع) به آن عمل کرده اند و در مناسبت ها و موقعیت های مختلف به منظور رسایی بیشتر و لطافت بخشیدن به سخن، نه تنها به شعر شعرا استشهد کرده اند، بلکه خود

۳۵. الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۰۵۱ و نگاه کنید به: الصراط المستقیم الی مستحق التقدیم، ج ۱، ص ۶۰.
۳۶. شعر الإمام الحسن بن علی (ع)، ص ۲۶-۲۷. همچنین نگاه کنید به: مقاتل الطالبیین، ص ۳۳. اصل این ابیات از قصیده عبید بن الیرص به مطلع: «لَمَنْ دَمْنَةُ أَوْثُ بِحَرَّةٍ ضَرْغَدٍ / تَلُوخُ كَعْنُوانِ الْكِتَابِ الْمُجَدَّدِ» است. (دیوان عبید بن الیرص، ص ۶۸)

نیز با هدف هدایت و موعظه مردم و بیان اندرز و سخنان حکمت آمیز به روایت شعر پرداخته اند. برای نمونه روزی مأمون به حضرت امام رضا (ع) گفت:

آیا شما [تاکنون] شعری [از شعرای دیگر] روایت فرموده اید؟ حضرت فرمود: «من بسیار شعر روایت کرده ام». پس مأمون عرض کرد: لطفاً زیباترین شعری را که درباره حلم و بردباری روایت کرده اید برای من بخوانید و حضرت فرمود:

[در بحر طویل]

إِذَا كَانَ دُونِي مَنْ بُلِيَتْ بِجَهْلِهِ
أَبَيْتُ لِنَفْسِي أَنْ تُقَابِلَ بِالْجَهْلِ^{۳۷}

- هنگامی که به رویارویی و همنشینی با فردی جاهل مبتلا [و مجبور] شوم، هر آینه در برابر رفتار جاهلانه او، از مقابله به مثل با اعمال جاهلانه خودداری می‌کنم.

سرودن شعر توسط ائمه (ع)

و اما سرودن شعر توسط ائمه (ع) به تواتر. هرچند تواتر اجمالی. نقل شده است، لذا هیچ امامی از بین ائمه اطهار (ع) نیست، مگر اینکه [انشاد] شعری به او منسوب شده باشد که انتساب برخی از این اشعار بدون ذره‌ای شک و شبهه، صحیح است؛ زیرا نقل آن در بسیاری از مصادر و منابع فراوان آمده است و از جمله این اشعار که کوچک‌ترین شکی در صحت انتساب آن نیست، قصیده‌ای سروده حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) با مطلع زیر است:

[در بحر وافر]

مُحَمَّدُ النَّبِيُّ أَحْيَىٰ وَصَنُوي
وَ حَمَزَةُ سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ عَمِّي^{۳۸}

. حضرت سید انبیا محمد مصطفی (ص) برادر و پسرعم من و حمزه سیدالشهدا عموی بزرگوار و پرافتخار من است.

علامه امینی ۱۱ منبع از مصادر شیعی و ۲۶ منبع از مصادر عامه برای این شعر امیرالمؤمنین (ع) ذکر کرده است. حضرت این اشعار را در جواب نامه‌ای سروده است که معاویه در آن به امیرالمؤمنین (ع) مفاخره کرده بود.^{۳۹}

آیا شعر منافی عصمت است؟

از مباحث بسیار مهم در این موضوع، تصور برخی در خصوص منافات داشتن شعر با عصمت یا مقام

۳۷. شعر الإمام الحسن بن علی (ع)، ص ۲۹.

۳۸. همان، ص ۳۱؛ الذُّرُّ الثَّمِين، ص ۳۱۷-۳۱۸؛ انوار العقول فی اشعار وصی الرسول (ص)، ص ۳۶۸-۳۶۹.

۳۹. نگاه کنید به: الغدیر، ج ۲، ص ۲۵-۳۰.

معصوم (ع). غیر از پیامبر اکرم (ص). است، به اعتبار اینکه درست نیست که امام معصوم شاعر باشد. در اینجا ذکر چند نکته ضروری است.

۱. نخست اینکه ارکان چهارگانه شعر عبارت است از وزن، قافیه، قصد و تخیل. فِیومی می‌گوید:

شعر عربی همان نظم موزون است و تعریف آن عبارت است از: ترکیبی [از کلمات و عبارات] که در کنار هم مکمل معنای یکدیگر باشند و از عناصر وزن و قافیه برخوردار بوده و در ترکیب کلام، این دو عنصر قصد شده باشند. پس به غیر از این، هر متن [منظومی] که فارغ از همه این شروط و یا یکی از آنها باشد، شعر نامیده نمی‌شود و گوینده آن نیز شاعر شناخته نمی‌شود. بنابراین به آنچه از کلام موزون در کتاب و سنت وارد شده، شعر اطلاق نمی‌شود؛ زیرا دو عنصر قصد انشاد شعر و قافیه‌پردازی در آن دخیل نبوده است. همچنین است که درباره بسیاری از سخنان موزونی که به طور تصادفی بر زبان مردم جاری می‌شود، هیچ‌گاه عنوان «شعر» اطلاق نمی‌شود.^{۴۰}

و اما عنصر چهارمی به نام «تخیل و خیال» نیز به عناصر سه‌گانه فوق اضافه می‌شود. ابن عطیه اندلسی می‌گوید:

و همانا خداوند پیامبر (ص) را فقط به این علت از سرودن شعر و شاعری منع کرد تا جایگاه و مقام او را از سرودن شعر که از تخیل و آراستن سخن به صنایع لفظی و بدیعی سرچشمه می‌گیرد بالاتر ببرد؛ زیرا قرآن کریم حاوی بیان حقایق و براهین است ... در حالی که شعر جایگاه نازل‌تری [در بهره‌گیری از حقایق ثابت و عقلانی] از قرآن کریم دارد [و آمیخته با عنصر خیال و تخیل است].^{۴۱}

بنابراین آنچه گفته می‌شود منافات با عصمت دارد، عنصر تخیل و آراستن سخن به صنایع لفظی و بدیعی است که مستلزم دروغ‌پردازی در سخن است و هر گاه که عنصر خیال، صنایع لفظی و معنوی، دروغ‌پردازی و مواردی مشابه اینها در شعر موجود باشد، آن شعر «مذموم و نکوهیده» تلقی می‌شود و

۴۰. باقلانی در کتاب اعجاز القرآن، ص ۵۴ در این باره می‌گوید: آیا ندیده‌ای که مثلاً یک فرد عادی به دوستش می‌گوید: «أغلق الباب وائتني بالطعام» [در را ببند و برای من غذا بیاور] و یا مردی به همراهانش چنین می‌گوید: «أكرموا من لقيتم من تميم» [هر کسی از اهل قبیله تمیم را که دیدید، احترام و اکرام کنید] و اگر انسان در پی مواردی مانند دو مثال فوق باشد، به موارد بسیاری برمی‌خورد و درمی‌یابد که در محاورات و کلام عادی روزمره مثال‌های فراوانی برای کلام موزونی که بدون قصد و نیت قبلی فرد بر زبان جاری شده بسیار است.

ابن فارس نیز در کتاب الصحاح فی اللغة، ص ۲۶۵ به جای قصد و نیت، تعدد ابیات را مد نظر قرار داده و نوشته است: شعر سخنی موزون و قافیه‌دار است که بر معنایی دلالت داشته و بیشتر از یک بیت باشد و این شرط اخیر را تنها به این دلیل اضافه کردیم که گاه ممکن است یک سطر از کلام به طور اتفاقی بر وزنی شبیه بحور و اوزان شعری بدون قصد و نیت انشاد شعر از متکلمی صادر شود.

۴۱. المحرر الوجيز فی تفسیر الکتاب العزیز، ج ۴، ص ۴۶۲.

صفتی ناقص و منافی عصمت به شمار می آید، ولی غیر از این، هر آنچه خالی از موارد فوق باشد، مانند اشعار معصومین (ع) پس مانعی برای [اطلاق «شعر» به آن و شاعر نامیدن سراینده آن] نیست.

۲. ضروری است که در اینجا به فرق بین شاعر و سراینده شعر، به خصوص در عصر جاهلیت و در زمان ائمه معصومین (ع) توجه کنیم؛ زیرا در عصر جاهلیت معنا و مفهوم شاعر مساوی با کاذب و دروغگو بود؛ به طوری که راغب اصفهانی در مفردات در تفسیر قول کافران که می گفتند: «بَلْ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ»^{۴۲} و می گفتند: «لِشَاعِرٍ مَجْنُونٍ»^{۴۳} و می گفتند: «شَاعِرٌ نَتَرَبَّصُّ بِهِ رَيْبَ الْمُنُونِ»^{۴۴} می گوید:

برخی از محصلین گفته اند: مقصود کافران از دادن نسبت شاعری به پیامبر اکرم (ص) این نبوده که ایشان شاعر به معنای امروزی و سراینده اشعار منظوم است؛ زیرا از ظاهر قرآن به راحتی دریافت می شود که آیات قرآن در قالب های مرسوم و رایج شعری نازل نشده است ... پس همانا مقصود آنها از دادن نسبت شاعری به پیامبر (ص) دروغگو خواندن ایشان بوده است؛ زیرا در آن زمان از شعر به کذب و دروغ و از شاعر به کاذب و دروغگو تعبیر می شده است تا جایی که گروهی ادله کاذبه را ادله شعریه نامیدند. از همین رو نیز خداوند متعال در وصف شاعران در قرآن کریم می فرماید: «وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ»^{۴۵} و به سبب آنکه شعر [در عصر جاهلیت] جایگاه و مقرّر دروغ پردازی بوده است گفته اند: زیباترین شعرها دروغ ترین ها آنها [از نظر مضمون و محتوا] است. همچنین برخی حکما گفته اند: هیچ فرد مؤمن و متدین راستگویی دیده نشده که شعری نیکو و شگفت بسراید و در شاعری همگان را به تعجب و شگفتی درآورد.^{۴۶}

۳. آنچه در مذمت شعر و شاعری وارد شده، بر دو وجهی که گفته شد استوار است یا اینکه می توان گفت مراد از شعر مذموم، شعری است که در آن مقاصد و اغراض ممنوع و نهی شده در شرع، مانند اشعار خمیره (وصف شراب و شراب خواری)، تشبیب و نسیب (وصف جمال معشوقه و راز دل گفتن با زنان سیمین تن و ماهرو) و مدح ظالمان و مبالغه و غلوه های ناپسند و امثال اینها به کار رفته باشد که شعر و شاعر را در معرض نکوهش قرار می دهد و آنچه از مطلق نهی درباره شعر وارد شده، مثل اینکه نقل شده: «اگر درون [قلب و فکر] انسانی از چرک و خون پر شده باشد، بهتر است برای او تا اینکه [حافظه او] مملو از شعر باشد».^{۴۷} [مفهوم شعر در اینجا]. از باب جمع بین ادله. بر یکی از وجوه فوق

۴۲. الأنبیاء: ۵؛ [مشرکان گفتند] بلکه پیامبر قرآن را به دروغ بر ساخته است! بلکه [اصلاً او] شاعر و [خیال پرداز] است!

۴۳. الصافات: ۳۶؛ [مشرکان می گفتند] آیا به خاطر یک شاعر دیوانه؟

۴۴. الطور: ۳؛ او شاعری است که انتظار مرگش را می کشیم!

۴۵. الشعراء: ۲۲۴؛ شاعران را فقط گمراهان پیروی می کنند.

۴۶. مفردات الفاظ القرآن، ص ۴۵۶، ماده «شعر».

۴۷. نگاه کنید به: مستطرفات السرائر، ص ۲۵۴ (مستطرفات من کتاب عبدالله بن بکیر بن أعین)؛ وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۷۰؛

رجال الکشی، ص ۱۸۴.

حمل می‌شود. می‌توان چنین حکمی را بین اشتغال به شعر و شاعری از یک سو و ترک حفظ قرآن و حدیث و امور مقدس شرعی از سوی دیگر روا دانست.

بنابراین نکوهش شعر در مواردی خاص مطرح است که از ماهیت شعر فی‌نفسه و شعر بماهو شعر خارج است.

پس مراد از آنچه در باب مذمت شعر و شاعری در کتاب و سنت وارد شده، سخنانی خیال‌انگیز و غیرواقعی است که به اصطلاح اهل علم منطق حقیقتی در جهان خارج ندارد، خواه در قالب سخن منظوم بیان شود یا منثور.

از آنچه گفته شد می‌توان دریافت که هیچ مانعی برای اینکه سخن معصومان (ع) به غیر از نبی اکرم (ص) در قالب شعر باشد وجود ندارد. به خصوص بیان شد که صرف شعر بودن یک سخن [و موزون بودن آن] در ذات خود نه تنها عیب و نقصی برای سخن نیست، بلکه از جمله صفات کمال آن محسوب می‌شود.

همچنین اشکالی نیز در این خصوص مطرح شده است که چرا اشعار منسوب به ائمه معصومین (ع) با سخنان منثور آنها که در منتهای فصاحت و بلاغت است برابری نمی‌کند. جواب این است که شعر ائمه (ع) خالی از انواع مبالغه، گزافه‌گویی و دروغ‌پردازی‌های شاعرانه است که جملگی به زیباتر شدن شعر کمک می‌کند. همچنین اشعار ایشان به دور از تأکید بر مُحَسِّنات بدیعی و مقاصد و اغراضی است که شاعران به یاری آن در آسمان خیال به پرواز درمی‌آیند [و سخنانی مبالغه‌آمیز و دور از ذهن بر زبان می‌آورند]، بلکه شعر اهل بیت (ع) شعری مکتبی است که هدفی جز رساندن حقایق و تأکید بر آن ندارد. بنابراین می‌توان آن را نزدیک به شعر تعلیمی دانست. همچنین صحیح نیست که سراینده این نوع از اشعار را شاعر به معنایی که در عصر جاهلیت رواج داشته است بنامیم، بلکه شاعر نامیدن ائمه (ع) در اینجا از باب مَجَاز و تسامح در تعبیر است.

انگیزه‌های سرودن شعر و استشهاد به آن توسط ائمه (ع)

درباره انگیزه‌های موجود برای انشاد و استشهاد به شعر توسط ائمه (ع) همان طور که گفته شد، اجمالاً هیچ شک و شبهه‌ای درباره صدور شعر از ذوات مطهر ایشان وجود ندارد. بنابراین دلایلی که می‌توان به عنوان انگیزه انشاد شعر برشمرد عبارتند از:

تأثیر بسیار زیاد شعر بر طبع انسان‌ها [در مقایسه با نثر] به خصوص در مورد عرب‌ها که طبعی پرچوش و خروش [و ذوقی سرشار از شعر] دارند.

سخن موزون و همراه با قافیه در نفوس برخی از افراد تأثیر بیشتری نسبت به سخن منثور می‌گذارد که

این به دلیل مؤانست ذهن آنها با اشعار عرب و راه و روش سخن شاعران است.

اینکه شعر [نسبت به نثر] ماندگاری بیشتری در ذهن انسان دارد؛ زیرا به خاطر سپردن و یادآوری آن بسیار ساده‌تر از متون منثور است. بنابراین بسیار پیش می‌آید که شعر [برای ماندگاری در ذهن] نیازی به نوشتن در کتاب نداشته باشد، بلکه بدون هیچ زحمتی و بدون فکر [مثلاً با تداعی معانی] از ذهن انسانی به انسان دیگر راه می‌یابد.

دشمنان اهل بیت (ع) به بدترین شکل از سلاح شعر استفاده می‌کردند؛ به طوری که هیچ خطبه یا سخنی از آنان نمی‌توان یافت، مگر اینکه با اشعاری [مرتبط] آراسته و همراه کرده باشند و هیچ فرمانروایی را سراغ نداریم، مگر اینکه گروهی از شعرا را به منظور تحقق خواسته‌ها و نیل به اهدافش همواره جزو خواص خود قرار داده باشد. پس اهل بیت (ع) نیز با آن حکام ظالم، با سلاحی همانند سلاح خودشان [یعنی شعر] مقابله می‌کردند.

ابوالحسن مدائنی و مذهب او

گردآورنده و تدوین‌کننده دیوان حاضر، ابوالحسن علی بن محمد بن عبدالله بن ابی سیف مدائنی متولد سال ۱۳۵ هـ و درگذشته به سال ۲۲۵ هـ است که زادگاه اصلی وی بصره بوده، ولی در شهر مدائن زندگی می‌کرده است، سپس به بغداد رفته و باقی عمر را در آنجا بوده است. همچنین نقل شده که او در مکه درگذشته است. وی فردی ثقه و معتبر و حقیقتاً دارای آثار و تألیفات فراوانی بوده است.^{۴۸}

شیخ طوسی در کتاب الفهرست به صراحت وی را جزء علمای عامه نام می‌برد.^{۴۹} علامه حلی در خلاصة الأقوال،^{۵۰} ابن داود حلی در کتاب رجال^{۵۱} خود و بقیه ارباب رجال پس از آنها نیز همگی از شیخ طوسی پیروی کرده‌اند، اما آثار باقی‌مانده از او حکایتی غیر از این موضوع [مذهب تسنن وی] دارد؛ زیرا وی همواره تشیع خود را اظهار می‌کرده و در ذکر آثار و مناقب اهل بیت (ع) و یادکرد بدی‌های دشمنان آنها اهتمامی تام داشته است. بنابراین شیخ آقابزرگ تهرانی این عبارت [شیخ در الفهرست] را به دلیل تقیه و درآمیختن او با عامه دانسته است و اینکه وی در بین مردم خود را این‌گونه [یعنی از اهل عامه] معرفی می‌کرده و بدان مشهور بوده، اگرچه در حقیقت پیرو ائمه اهل بیت (ع) بوده است.

شیخ آقابزرگ تهرانی می‌نویسد:

شاید قرینه [علمای رجالی فوق] برای تشیع [امثال این افراد] این باشد که کتب رجالی

۴۸. نگاه کنید به: الفهرست لابن ندیم، ص ۱۱۳-۱۱۷؛ سیر أعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۴۰۰-۴۰۲؛ الترجمة، ص ۱۱۳؛ الوافی بالوفیات، ج ۲۲، ص ۲۹-۳۲؛ اللباب فی تهذیب الأنساب، ج ۳، ص ۱۸۲؛ الأنساب للسمعانی، ج ۵، ص ۲۳۲.

۴۹. نگاه کنید به: الفهرست، ص ۱۵۹؛ الترجمة، ص ۴۰۵.

۵۰. نگاه کنید به: خلاصة الأقوال، ص ۳۶۵؛ الترجمة، ص ۱۱.

۵۱. نگاه کنید به: رجال ابن داود، ص ۲۶۲؛ الترجمة، ص ۳۵۵ و ۳۱۲، الترجمة ۴ از باب کنیه رجال ضعیف.

تألیف شده در خصوص تراجم اعلام شیعه. همان گونه که از قصد و نیت مؤلفان آنها برمی آید و انتظار می رود. ناگزیر و اساساً خالی از ذکر احوالات و آثار علمای اهل سنت واقعی است؛ زیرا بنای مؤلف از ابتدا بیان احوالات علمای شیعه بوده است [و دلیلی ندارد تا از فردی که مذهب عامه وی مُسَلَّم است، بین علمای شیعه ذکری به میان آورد]. پس اگر در این کتابها اصطلاح «عامی» احیاناً بر فردی اطلاق شده باشد، منظور مؤلف این بوده که وی «عامی المشرب» است، [یعنی با اهل تسنن نشست و برخاست دارد و در بین آنها زندگی می کند و با آنها مراوده و معاشرت دارد]، نه اینکه «عامی العقیده» [یعنی دارای عقیده اهل سنت و پیرو خلفای راشدین] باشد، چه رسد به اینکه قرائن و دلایلی [قوی و محکم] برای مذهب تشیع او در دست باشد.^{۵۲}

حقیقت هم چیزی جز آنچه مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی به آن دست یافته و به صراحت بیان کرده است نیست؛ زیرا تمام آثار و روایات به جامانده از ابوالحسن مدائنی جملگی دلالتی تام بر تشیع یا تمایل وی به تشیع دارد و از بهترین آثار وی که نشانه های تشیع در آن به وضوح مشاهده می شود، کتاب أخبار أهل البيت (ع) فی تراث المدائنی المکتوب^{۵۳} است که با تحقیق استاد شیخ حسین مرادی نسب اخیراً منتشر شده است.

مدائنی و شعر امام حسن مجتبی (ع)

از آنجا که تاریخ کتابت نسخه مورد مراجعه در کتاب حاضر متأخر بوده و از طرفی این تألیف جزء آثار مدائنی ذکر نشده است، ناگزیر باید بحثی درباره دلایل و قرائن موجود برای صحت انتساب آن به مدائنی و همچنین اجمالاً بحث دیگری نیز درباره صحت انتساب اشعار یادشده به حضرت امام حسن مجتبی (ع) داشته باشیم. دلایل و قرائن موجود عبارتند از:

آنچه درباره تشیع مدائنی یا میل او به مذهب تشیع گفته شد، سبب شده است تا وی به گردآوری و تدوین میراث تاریخی و ادبی اهل بیت (ع) اهتمام کند.

اهتمام فراوان و قابل ملاحظه مدائنی به [گردآوری و تدوین] تراث اهل بیت (ع)، به طوری که از فهرست کتب وی در این زمینه به خوبی دریافت می شود. در ادامه به چند مورد از آنها برای نمونه اشاره می شود:

الف) کتاب مقتل الإمام الحسين (ع)، در حالی که وی [مدائنی] یکی از دو راوی کتاب مقتل الحسين (ع) ابومخنف است.

۵۲. الذریعة ألی تصانیف الشیعة، ج ۷، ص ۱۷۳-۱۷۰، شماره ۸۹۹.
۵۳. این کتاب به همت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در قم با همکاری مرکز پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی در مشهد مقدس در سال ۱۳۹۶ ش/ ۲۰۱۷ م منتشر شده است.

ب) کتاب الخونة لأمیر المؤمنین (ع)

ج) کتاب حروب أمير المؤمنین (ع)

د) کتاب خطب أمير المؤمنین (ع) و کتبه إلى عماله

ه) کتاب أسماء من قتل من الطالبيين

و) کتاب أخبار الفاطميات

ز) کتاب أخبار الخلفاء

ح) کتاب أخبار أبي طالب (ع) و ولده

مضاف بر اینکه مدائنی اخبار و اشعار سید حمیری، ابی دهبیل الجمحی و کثیر عزة را که همگی از شاعران بزرگ شیعه به شمار می روند، روایت کرده است که نشان از شدت اهتمام وی به [تدوین و گردآوری] شعر شیعی دارد.

به علاوه وی تألیفات بسیاری همچون خصوصیات الأشراف، أخبار الشعراء و کتاب هایی از این دست درباره اخبار خلفا و اشراف و شاعران دارد که مجموعه شعر حضرت امام حسن مجتبی (ع) بخشی از آنها بوده است.

مجموعه مخطوطی که در این کتاب استفاده شده، متضمن دیوان حضرت امام حسین (ع) به روایت ابومخنف نیز است که پس از مراجعه، تطبیق و دقت نظر، صحت انتساب اشعار موجود در آن با اشعار روایت شده توسط ابومخنف از حضرت امام حسین (ع) محقق شد؛ زیرا با اشعاری که اربلی در کتاب کشف الغمة به روایت از ابومخنف از حضرت امام حسین (ع) نقل می کند مطابقت دارد.

سبک گردآوری و تدوین مدائنی شباهت بسیاری با سبک دانشمندان و مؤلفان قدیمی و قرون اولیه اسلام دارد. از آنجا که در مقدمه می نویسد:

پیوسته در پی اشعار مولای خود حضرت امام حسن بن علی (ع) بودم و آن را جزء نفیس ترین و گرامی ترین تحفه ها می شمردم، لذا به کتاب ها و نسخ بسیاری مراجعه کردم و پیوسته ملازم آنها بودم و تصفح و تدقیق فراوانی در آنها کردم، لیکن چیزی از شعر حضرت امام حسن (ع) نیافتم تا اینکه روزی شیخی از اهل مدینه که عالم به امور و اخبار اهل بیت پیامبر (ص) و حافظ سیره و سنت آنها بود، نزد ما آمد و برای من مقداری از شعر حضرت امام حسن مجتبی (ع) را خواند. سپس بانویی از نسل پسران حضرت جعفر بن

ابی طالب (ع) را دیدم و او نیز مقداری دیگر از شعر حضرت را برایم روایت کرد، لذا من این دو روایت را در کنار هم گذاشتم و به یکدیگر اضافه کردم.

سبک و اسلوب اشعار و نحوه ترکیب بندی جملات و کلمات به کار رفته، به طور کلی دلالت بر کهن بودن اشعار این دیوان دارد.

سبک (۲۲ قطعه) شعر موجود در این نسخه و مناسبت و انگیزه‌هایی که برای سرودن برخی از آنها ذکر شده است، سازگاری بسیاری با سایر اشعار امام حسن مجتبی (ع) و نیز مناسبت‌های برخی اشعار دارد که در مستدرکی که از خلال کتب و مصادر دیگر استخراج کرده‌ایم^{۵۴} و تا کنون به ۳۳ قطعه شعر رسیده است، [عیناً تکرار و] ذکر شده است.

وجود سه بیت از قصیده لامیه‌ای با مطلع زیر که در کتاب مناقب آل ابی طالب (ج ۳، ص ۱۷۶) به نقل از کتاب امالی حاکم [نیشابوری]^{۵۵} آمده است و همچنین به همراه یک بیت دیگر در کتاب مقتل الحسین خوارزمی (ج ۱، ص ۱۸۱) ذکر شده و به حضرت امام حسین (ع) منسوب شده، همگی از دلایل تأکید بر اصالت اشعاری است که در این نسخه خطی وجود دارد:

[در بحر مجتث]

مَنْ كَانَ يَبْأَى بِجَدِّ فَإِنَّ جَدِّي الرَّسُولُ^{۵۶}

. هر گاه کسی به آبا و اجداد خویش بنازد و افتخار کند، پس همانا [فخر من بر تمام عالمیان رجحان دارد؛ زیرا] جد من حضرت رسول الله (ص) است [که مایه مباهات جهانیان و برترین کائنات است].

وجود ابیات سه‌گانه‌ای با قافیه «لام» در کتاب امالی الحاکم الجشمی درگذشته به سال ۴۹۴ ق موسوم به جلاء الأبصار با تصریح بر اینکه کلیه اشعار و اخبار حضرت امام حسن مجتبی (ع) گردآوری و تدوین شده است^{۵۷} و شاید مراد حاکم جشمی همین دیوانی است که مدائنی گردآوری و تدوین کرده است.

وجود برخی شروح لغوی که یافتن نص عبارات آن در لغت‌نامه‌ها و معجم‌های لغوی برای محقق میسر نشد و حدس محقق بر این است که این شروح و توضیحات از آن خود مدائنی بوده باشد. همچنین

۵۴. پیش از این علامه سید محمود المقدس العرفی ۲۹ قطعه شعر پراکنده از حضرت امام حسن مجتبی (ع) را جمع‌آوری کرده که در مقاله‌ای با عنوان «دیوان الإمام الحسن (ع)» در شماره ۲۴ مجله علوم الحدیث در سال ۱۴۲۹ ق چاپ و منتشر شده است.

۵۵. برای اطلاع از کتاب امالی العشیات ابوعبدالله حاکم نیشابوری نگاه کنید به: کشف الظنون، ج ۱، ص ۱۶۵؛ هدیة العارفين، ج ۲، ص ۵۹؛ الذریعة إلی تصانیف الشیعة، ج ۲، ص ۳۱۴، ش ۱۲۴۹.

۵۶. شعر الإمام الحسن بن علی (ع)، ص ۵۰ و ۷۴؛ دیوان اهل البیت (ع)، ص ۴۰۷.

۵۷. نگاه کنید به: امالی الحاکم الجشمی، نسخه [خطی] علامه مؤیدی در شهر صعده یمن A-۲۰.

قرائن و شواهدی بر وجود نسخه دیگری از شعر حضرت امام حسن مجتبی (ع) دلالت و تأکید دارد که توسط مدائنی گردآوری و تدوین شده است.

مضامین شعر امام حسن مجتبی (ع)

استفاده از سلاح شعر در احتجاج با دشمنان و معاندان، به خصوص درباره حضرت امام حسن مجتبی (ع) به نحوی قابل توجه در مکاتبات ایشان با معاویه و عمروعاص و مروان و اذنان ایشان قابل مشاهده است؛ زیرا اینان دهان به سخن سرایی باز می‌کردند و سخنان طولانی [و باطل خود] را همواره به الفاظ مسجع و اشعار موزون و مقفی می‌آراستند و العیاذ بالله. امام (ع) را به درماندگی در سخن و گنگ‌زبانی متهم و منسوب می‌کردند و چه دور است این انتساب به حریم پاک امام (ع) که خود مظهر بلاغت و فصاحت و ثمره شجره طیبه أفصح من نطق بالضاد است! پس امام (ع) ناگزیر به منظور دفع یا ردّ حملات و سخنان باطل و جاهلانه دشمنان، سلاح شعر را به خدمت می‌گرفت و پاسخ آنها را با زبان شعر و سخن موزون می‌فرمود. به همین سبب است که می‌بینیم اغلب اشعار حضرت در مناسباتی مانند احتجاج با دشمنان، دفع شبهات و بیان حقانیت خود و سایر اهل بیت (ع) سروده شده است. همانا مضامین موجود در شعر حضرت امام حسن مجتبی (ع) حول چند محور قرار دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. افتخار به جد بزرگوار، پدر، مادر، برادر و نفس شریف و تعدادی از مناقب و اوصاف پسندیده خود. در نمونه شعرهای حضرت با مضمون فخر می‌توان شعر هدفمند را به خوبی مشاهده کرد و اینکه مفاخره حضرت تنها محدود به صفات الهی و نسب پاک خویش است و ذره‌ای از گزافه‌گویی‌های مبالغه‌آمیز و فخرفروشی‌های متبخرانه و کذب‌آلود که اشعار عرب مشحون از نمونه‌های این چنینی است در آن راه ندارد.

۲. هجای دشمنان خدا، مانند شعر حضرت در هجای معاویه، عمرو بن العاص و مروان بن الحکم و نابغه حبشیه مادر عمرو بن العاص که در این دیوان ذکر شده است.

۳. ذکر علت مدارا و صلح با معاویه

۴. یادکرد حضرت از سخاوتمندی خود و حفظ آبروی نیازمندان و سرزنش صفت ناپسند بخل و مذمت بخیلان

۵. یادکرد واقعه غدیر خم و اهل نجات بودن معتقدان به ولایت [و خلافت بلافصل] حضرت امیرالمؤمنین علی و ائمه اهل بیت (ع) پس از پیامبر (ص) و عاقبت سوء کسی که مُنکر اندک چیزی از آن شود.

۶. بیان سخنانی حکمت آمیز

۷. رثاء که از مهم ترین مضامین شعری نزد عرب محسوب می شود و معمولاً دارای بیشترین درجه از میزان صحت عواطف و احساسات در بین اشعار است.

۸. قناعت و زهد

۹. مناجات با پروردگار

این مضامین همراه چند مورد دیگر از جمله محورهایی است که خواننده اشعار حضرت در این مخطوطه و مستدرک آن با آنها مواجه خواهد بود.

مستدرک دیوان

مستدرکی برای مخطوطه حاضر تهیه و اشعار منسوب به حضرت امام حسن مجتبی (ع) در سه بخش ذیل در آن گردآوری و تدوین شده است:

الف) اشعار منسوب به حضرت که به فرد دیگری نسبت داده نشده اند.

ب) اشعاری که هم به حضرت و هم به شعرای دیگر نسبت داده شده است، اما صحت نسبت آنها به حضرت به اقوال دیگر برتری و رجحان دارد.

ج) اشعاری که هم به حضرت و هم به شعرای دیگر نسبت داده شده، ولی صحت نسبت آنها به دیگران در مقابل انتساب اشعار به حضرت، قوت بیشتری دارد که این موضوع و تشخیص صحت انتساب اشعار به حضرت یا شعرای دیگر از خلال ملاحظات، تخریجات، تعلیقات و تحقیقات محقق اثر قابل مشاهده است. همچنین هر گاه سرایش شعری بنا به مناسبتی بوده، به منظور حفظ امانت علمی و بیان هدف شاعر از آن، شعر به طور کامل ذکر شده است.

در بخش مخطوط این دیوان ۲۲ قطعه شعر و در بخش مستدرک ۳۳ قطعه شعر (جمعاً ۵۵ قطعه شعر) گردآوری و تنظیم شده است. همچنین کتاب دارای ضمیمه ای شامل نمایه های فنی لازم و تصویر زنگی مخطوطه است تا محققان از کیفیت آن اطلاع حاصل کنند و مراجعه به اعلام و اشعار و... برای پژوهشگران ساده تر شود.

تمام شد آنچه از مقدمه جناب شیخ قیس العطار بر کتاب شعر امام حسن مجتبی (ع) انتخاب شده بود.

گفتنی است ترجمه کامل این کتاب ارزشمند به زودی با ترجمه راقم این سطور توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی که پیش از این نیز کتاب هایی به اشعار اهل بیت (ع) اختصاص یافته اند که در ادامه به معرفی مختصر آنها پرداخته می شود.

دیوان اهل البيت (ع)

اثر فوق دربرگیرنده اشعار چهارده معصوم (ع) از نبی اکرم (ص) تا حضرت حجت (عج) می باشد که به همت شیخ علی حیدر المؤید (ساکن کویت) گردآوری و تدوین شده و چاپ اول آن در ۶۵۱ صفحه از سوی انتشارات دارالعلوم للتحقیق و الطباعة و النشر و التوزیع در سال ۱۴۲۲هـ/۲۰۰۲م در بیروت منتشر شده است. محقق در مقدمه خویش بر این کتاب به بحثی مختصر درباره ماهیت و جایگاه شعر در صدر اسلام و نحوه برخورد رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع) با شعر و شعرا و انشاد و استشهاد به شعر توسط ایشان پرداخته و در پایان مقدمه، روش تحقیق خود در تدوین این اثر را بر پایه مراجعه به بیش از ۱۵۰ مصدر از منابع و مآخذ فرق مختلف اسلامی معرفی کرده است. از ویژگی های این کتاب می توان به ارجاعات و استخراجات فراوانی اشاره کرد که محقق درباره هر یک از اشعار قصاید منسوب به معصومین (ع) در ذیل ابیات ارائه کرده است. همچنین تفسیر و توضیح عبارات و اصطلاحات دشوار و لغات غریب نیز بخش دیگر پانویس های این کتاب را تشکیل می دهد. درباره اشعار منسوب به حضرت امام حسن مجتبی (ع) قطعات شماره ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۴، ۵۵ در کتاب دیوان اهل البيت (ع) ذکر شده است. گفتنی است قطعات ذکر شده همگی جزء بخش مستدرک کتاب شعر الامام الحسن بن علی (ع) هستند.

الدُّرُّ الثَّمِينُ أَوْ دِيوانِ المَعْصومِينَ (ع)

این کتاب شامل اشعار منسوب به چهارده معصوم (ع) است که به همت میرزا محمد علی مدرس تبریزی خیابانی [صاحب ریحانة الأدب] [متوفای ۱۳۷۳هـ] تألیف و تحت اشراف و با مقدمه آیت الله جعفر سبحانی در ۷۱۲ صفحه از سوی انتشارات مؤسسه امام صادق (ع) در سال ۱۴۲۶هـ/۱۳۸۳ش در قم منتشر شده است. در این کتاب پیش از ذکر اشعار منسوب به هر یک از معصومین (ع) ابتدا به مختصری از سیره و حیات ایشان اشاره شده، سپس اشعار منسوب، به ترتیب قافیه ذکر شده و مفردات و ابیات مشکل به زبان عربی در پاورقی صفحات شرح داده شده است. از مجموعه اشعار منسوب به حضرت امام حسن مجتبی (ع) قطعات شماره ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۵۴، ۵۵ در کتاب الدُّرُّ الثَّمِينُ ذکر شده است. گفتنی است قطعات ذکر شده همگی جزء بخش مستدرک کتاب شعر الامام الحسن بن علی (ع) هستند.

معجم أشعار المعصومين (ع) الواردة في بحار الأنوار؛ ما نظموه و ما أنشدوه

همان گونه که از عنوان کتاب حاضر پیداست، این اثر شامل اشعار منسوب به چهارده معصوم (ع) در کتاب شریف بحار الانوار است که به همت دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و با مقدمه غلامحسین مهدوی نژاد در ۵۷۶ صفحه از سوی مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه

قم در سال ۱۴۲۰هـ/۱۳۷۸ش منتشر شده است. در این کتاب پیش از ذکر اشعار منسوب به هر یک از معصومین (ع)، ابتدا مقدمه‌ای مبسوط درباره تاریخ شعر قبل و بعد از اسلام، جایگاه شعر نزد اهل بیت (ع) و انشاد شعر توسط ائمه (ع) و همچنین فصول و فهارس مختلف کتاب ارائه شده است. سپس اشعار مربوط به هر یک از معصومین (ع) به ترتیب درج در مجلدات بحارالانوار ذکر شده و مشخصاتی شامل شماره جلد و صفحه و حدیث مربوطه همراه اوزان شعری در کنار ابیات و در پانویس صفحات درج شده است. این کتاب از فهارسی کاربردی برای یافتن ابیات برخوردار است که امر تحقیق و جستجو را برای محققان سریع‌تر و ساده‌تر کرده است. گفتنی است از مجموعه اشعار منسوب به حضرت امام حسن مجتبی (ع) قطعات شماره ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۴، ۴۶، ۴۹، ۵۱، ۴۵، ۵۵ در کتاب شریف بحارالانوار ذکر شده‌اند که قطعات مذکور، همگی جزء بخش مستدرک کتاب شعر الامام الحسن بن علی (ع) هستند.

ترجمه و شرح اشعار منسوب به فاطمه زهرا (س) و امامان معصوم (ع) از فرزندان آن حضرت
کتاب فوق شامل اشعار منسوب به حضرت فاطمه زهرا (س) و امامان معصوم (ع) از فرزندان آن حضرت بوده و فاقد اشعار منسوب به حضرت رسول اکرم (ص)، حضرت امیرالمؤمنین (ع) و حضرت حجة بن الحسن (ع) است. این اثر به همت دکتر حسن عبداللهی تألیف و در ۳۴۴ صفحه از سوی انتشارات بوستان کتاب قم در سال ۱۴۲۶هـ/۱۳۸۳ش در قم منتشر شده است. در این کتاب پس از پیشگفتاری مختصر، اشعار منسوب به هر یک از معصومین فوق به ترتیب قافیه ذکر شده و در پانویس صفحات مورد ترجمه و شرح به زبان فارسی قرار گرفته است. از مجموعه اشعار منسوب به حضرت امام حسن مجتبی (ع) تنها قطعات شماره ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۴ و ۵۵ در کتاب ترجمه و شرح اشعار منسوب به فاطمه زهرا (س) و امامان معصوم (ع) از فرزندان آن حضرت ذکر شده است که با اندکی تأمل می‌توان دریافت که قطعات ذکر شده همگی در بخش مستدرک کتاب شعر الامام الحسن بن علی (ع) قرار دارند.

نمونه‌ای از شعر حضرت امام حسن مجتبی (ع)

برای آشنایی بیشتر نمونه‌ای از شعر حضرت (ع) از بخش مخطوط کتاب انتخاب و ترجمه شده است که در ادامه تقدیم می‌شود.

در فخر به حَسَب و نَسَب بزرگوارش:

[در بحر مجتبی]

۱. مَنْ كَانَ يَبْغِي بِجَدِّ فَإِنَّ جَدِّي الرَّسُولُ

۲. أَوْ كَانَ يَبْأَى بِأُمِّ فَاِنَّ أُمِّي الْبْتُوُلُ
۳. أَوْ كَانَ يَبْأَى بِرَزْوِرٍ فَرَزْوَزَنَا جَبْرِيْلُ
۴. أَنَا الْبُرُوْرُ لِبَاغِي رَفِيْدِي الْعَطُوفُ الْوُصُوْلُ
۵. أَنَا ابْنُ مَنْ جَاءَ فِيْهِ التُّ تَأْوِيْلُ وَالتَّنْزِيْلُ
۶. أَنَا ابْنُ مَنْ لَا يُرَى فِي الْ أَنْامِ مِنْهُمْ عَدِيْلُ
۷. أَنَا ابْنُ أَحْمَدَ حَقًّا مَنْ مِثْلَ قَوْلِي يَهُوْلُ؟! وَهُوَ الشَّقِيْقُ الْخَلِيْلُ^{۵۸}

۱. هرگاه کسی به آباء و اجداد خویش بنازد و افتخار کند، پس همانا [فخر من بر تمام عالمیان رجحان دارد؛ زیرا] جد من حضرت رسول الله (ص) است [که مایه مباهات جهانیان و برترین کائنات است].
۲. یا اگر کسی به مادر خویش بنازد، پس همانا [افتخار من بر تمام مردم برتری دارد؛ زیرا] مادرم حضرت فاطمه، زهرای بتول (س) است.
۳. و هرکس به زائران خود مباهات کند، پس همانا [مباهات ما اهل بیت (ع) از تمام جهانیان برتر و والاتر است؛ زیرا] زائر ما، فرشته وحی و ملک مقرب درگاه خدا جبرئیل است.
۴. بله، من همان کسی هستم که ابر بخشش مُشفقانه و مستمر من همواره بر سر سائلان سایه افکنده است.
۵. من فرزند همان کسی هستم که تأویل و تنزیل (ظاهر و باطن قرآن کریم) در خصوص وی نازل شده است.
۶. من فرزند همان کسی هستم که در میان همه خلق جهان مثل و مانندی برای او یافت نمی شود.
۷. به راستی که من فرزند رسول خدا (ص) احمد مختار هستم. پس جز من چه کسی می تواند افتخار چنین حَسَب و نَسَبی را برای خود بیان کند؟!
۸. جز برادر تنی و همانند من در حسب و نسب (حضرت امام حسین بن علی (ع)) که به راستی برادرِ پدری و مادری و یار مخلص و از جان بهتر من است.

پایان سخن

نظر به جایگاه معنوی اهل بیت (ع) و محوریت ایشان در جامعه، اشعار معصومین از دیرباز مورد توجه محققان و ادیبان بوده است و همین علاقه و توجه موجب شده است تا طی قرون و اعصار، ضمن تدوین و گردآوری اشعار ایشان، ابیاتی زیاده بر اشعار اصیل اهل بیت (ع) به دواوین آنها راه یابد. برای نمونه می توان از دیوان امیرالمؤمنین (ع) یاد کرد که برخی از اشعار منسوب به آن حضرت قطعاً از سروده های ایشان نیست و از ملحقاتی است که بعداً به دیوان افزوده شده. باری، آنچه امر تحقیق در این حوزه را با دقت، حساسیت و دشواری همراه می کند، جستجو در نسخ خطی مربوط به شعر اهل بیت (ع) و احیای اشعار اصیل و بعضاً مغفول ایشان و تعیین و تفکیک اشعار دارای نسبت صحیح و سقیم از یکدیگر است که جز با توغل در ادب اهل بیت (ع) دستیابی به آن دشوار می نماید.

آنچه درباره کتاب شعر امام حسن مجتبی (ع) اهمیت دارد، منحصر به فرد بودن اشعاری است که در این دیوان کم حجم، ولی پر بار و گران قدر گرد آمده است؛ به طوری که با نگاهی دقیق به آثاری که تا کنون درباره شعر اهل بیت (ع) تدوین شده است (و در انتهای مقاله بدان اشارتی رفته است)، می توان مشاهده کرد که تقریباً هیچ یک از اشعار دیوان امام حسن مجتبی (ع) در مجموعه های فوق ذکر نشده است.

باری، تلاش محقق محترم جناب استاد شیخ قیس العطار در تصحیح، تحقیق و احیای این دیوان که اقدامی بی سابقه در تدوین دیوان شعر اهل بیت (ع) محسوب می شود، از چند بُعد شایسته دقت نظر و تحسین است.

نخست: تا کنون هیچ اثر مدقونی درباره شعر امام حسن مجتبی (ع) منتشر نشده بود و اشعار منسوب به آن حضرت عمدتاً از کتب تاریخی، حدیثی و مانند آن استخراج شده (همه آنها در بخش مستدرک دیوان حاضر نیز ارائه شده است) و این نخستین بار است که دیوانی مدوّن و مرتب از حضرت امام حسن مجتبی (ع) به صورت یک جا گردآوری و روایت شده توسط یکی از رجال مطرح قرن سوم، یعنی ابوالحسن مدائنی (متوفای ۲۲۵ هـ) با تحقیقی علمی و شایسته به زیور طبع آراسته می شود.

دوم: استفاده از منهج تحقیقی علمی دقیق و حسن سلیقه ای است که در تصحیح و شرح این اشعار مشاهده می شود؛ به طوری که می توان این اثر را به عنوان الگویی مناسب برای امر تصحیح نسخ خطی به خصوص در باب شعر و ادب معرفی کرد؛ زیرا التزام به نکات روش شناسی و تحقیقی، مشخصه بارز این کتاب چه در متن اصلی و چه در تعلیقات و حواشی مفصلی است که محقق به منظور تبیین مراد امام (ع) و توضیح غرایب لغات، اشعار و مانند آن ارائه کرده است.

سوم: ارائه فهرس متنوع فنی دقیق و منابع و مأخذ منظمی است که نشان از اهتمام محقق به پایبندی

به اصول روش تحقیق علمی داشته و امر مطالعه و جستجوی ابیات، اشعار، اعلام و ... کتاب را برای خوانندگان بسیار ساده تر کرده است. در کنار همه امتیازات فوق، مواردی چون بسیار کم غلط بودن، طبع ممتاز و شکل آن از نظر انتخاب نوع جلد، جنس کاغذ، قلم مورد استفاده، صفحه آرای و ظاهر چشم نواز کتاب نیز از دیگر مزایایی است که نمی توان از ذکر آن چشم پوشی کرد.

امید است در آینده شاهد آثار بیشتری از این دست از ایشان و سایر محققان ارجمند تراث شیعی باشیم و میراث مکتوب ارزشمند شیعی بتواند به گونه ای شایسته و با برخورداری از معیارهای علمی روش تحقیق و تصحیح به عرصه های علمی بین المللی راه یابد. والحمد لله أولاً و آخراً.

کتابنامه

- قرآن کریم؛ ترجمه کریم زمانی؛ تهران، نشر نامک، چاپ اول، ۱۳۸۹ شمسی.
- اخبار اهل البيت (ع) فی تراث المدائنی المکتوب؛ حسین مرادی نسب؛ قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، مرکز پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۶ ش / ۲۰۱۷ م.
- اختیار معرفة الرجال المعروف برجال کشی؛ للشيخ الطائفة أبي جعفر محمد بن الحسن الطوسي؛ تحقیق جواد القيومي الإصفهانی؛ جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، مؤسسة النشر الإسلامي، قم المقدسة، الطبعة الثانية، ۱۴۲۶ هـ / ۱۳۸۴ ش.
- الأرزبية في مدح النبي و الوصي و الأهل (ع)؛ للشيخ محمد كاظم الأزرى؛ دارالأضواء، بيروت، ۱۴۰۹ هـ.
- إعجاز القرآن؛ لأبي بكر محمد بن الطيب الباقلاني؛ تحقیق السيد أحمد صقر؛ دارالمعارف بمصر، القاهرة، الطبعة الثالثة، ۱۳۷۴ هـ / ۱۹۵۴ م.
- أمالي الحاكم الجشمي؛ نسخه خطی علامه مؤیدی در شهر صعده یمن، به شماره A-۲۰.
- الأنساب؛ لأبي سعد عبد الكريم بن محمد بن منصور التميمي السمعاني؛ تحقیق محمد عوامة؛ مكتبة ابن تيمية، القاهرة، الطبعة الثالثة.
- أنوار العقول في أشعار وصي الرسول (ص)؛ لقطب الدين محمد بن الحسين البيهقي الكيدري؛ تحقیق كامل سلمان الجبوري؛ دارالمحجة البيضاء، دارالرسول الأكرم، الطبعة الأولى، بيروت، ۱۴۱۹ هـ / ۱۹۹۹ م.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)؛ للشيخ محمد باقر المجلسي؛ تحقیق لجنة من العلماء؛ الطبعة الثالثة المصححة، دار إحياء التراث العربي، بيروت، ۱۴۰۳ هـ / ۱۹۸۳ م.
- البيان و التبيين؛ لأبي عثمان عمرو بن بحر الجاحظ؛ مصر، المكتبة التجارية الكبرى، لصاحبها مصطفى محمد، ۱۳۴۵ هـ.
- ترجمه و شرح اشعار منسوب به فاطمه زهرا (س) و امامان معصوم (ع) از فرزندان آن حضرت؛ حسن عبد الهی؛ انتشارات بوستان کتاب، قم، ۱۴۲۶ هـ / ۱۳۸۳ ش.
- الخرائج و الجرائح؛ لقطب الدين الراوندي؛ تحقیق مؤسسة الإمام المهدي، الطبعة الاولى، قم، ۱۴۰۹ هـ.
- خلاصة الأقوال في معرفة الرجال؛ للعلامة الحلبي؛ تحقیق الشيخ جواد القيومي؛ مؤسسة نشر الفقاهة، قم المقدسة، الطبعة الرابعة، ۱۴۳۱ هـ.
- الذُرُّ الثَّمِينُ أو ديوان المعصومين (ع)؛ ميرزا محمد علی مدرس تبریزی خیابانی؛ تحت اشراف آیت الله جعفر سبحانی؛ قم، انتشارات مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۶ هـ / ۱۳۸۳ ش.
- در کربلا چه گذشت (ترجمه نَفْسُ المهموم)؛ شیخ عباس قمی؛ ترجمه محمد باقر کمره ای؛ انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ بیست و سوم، قم، ۱۳۸۶.
- دیوان آبی فراس الحمدانی؛ عني بجمعه و نشره و تعليق حواشيه و وضع فهارسه سامي الدّهان؛ المعهد الأفرنسي

- بدمشق، مجموعة النصوص الشرقية، ۱۳۶۳هـ.
- ديوان الإمام الحسن (ع)؛ سيّد محمود المقدس العُرفي؛ شماره ۲۴، مجله علوم الحديث، ۱۴۲۹هـ.
- ديوان امرئ القيس و ملحقاته؛ بشرح أبي سعيد السُّكُري (المتوفى سنة ۲۷۵هـ)؛ دراسة و تحقيق د. أنور عليان أبوسوليم، د. محمد علي الشوابكة؛ مركز زايد للتراث و التاريخ، دولة الإمارات العربية المتحدة، العين، الطبعة الأولى، ۱۴۲۱هـ/۲۰۰۰م.
- ديوان اهل البيت (ع)؛ تحقيق الشيخ علي حيدر المؤيد؛ بيروت، دارالعلوم للتحقيق و الطباعة و النشر و التوزيع، الطبعة الأولى، ۱۴۲۲هـ/۲۰۰۲م.
- ديوان طرفة بن العبد (شرح الأعلام الشنتمري) و تليه طائفة من الشعر المنسوب إلى طرفة؛ تحقيق درية الخطيب، لطفي الصقال؛ بيروت، المؤسسة العربية للدراسات و النشر، الطبعة الثانية، ۲۰۰۰م.
- ديوان عبيد بن الأبرص؛ شرح أشرف أحمد عدرة؛ دارالكتاب العربي، بيروت، الطبعة الأولى، ۱۴۱۴هـ/۱۹۹۴م.
- ديوان قيس بن عمرو النجاشي؛ تحقيق و شرح الشيخ قيس العطار؛ منشورات دليل ما، قم، الطبعة الأولى، ۱۴۳۲هـ/۱۳۹۰ش.
- الدَّريعة إلى تصانيف الشَّيعة؛ للعلامة الشَّيخ آقابرگ الظهراي؛ دارالأضواء، بيروت، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۳هـ/۱۹۸۳م.
- رجال ابن داود؛ المطبعة الحيدرية، النجف الاشرف، ۱۳۹۲هـ.
- سير أعلام النبلاء؛ للإمام شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان الذهبي (المتوفى سنة ۷۴۸هـ/۱۳۷۴م)؛ حققه و ضبط نصه و علق عليه الدكتور بشار عواد معروف، شعيب الأرنؤوط، صالح السمر؛ مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة الأولى، ۱۴۱۷هـ/۱۹۹۶م.
- شرح نهج البلاغة؛ لابن أبي الحديد؛ تحقيق محمد أبو الفضل إبراهيم؛ دار إحياء الكتب العربية، مطبعة عيسى البابي الحلبي و شركاه، القاهرة، ۱۹۶۳م.
- شرح هاشميات الكميت بن زيد الأسدي بتفسير أبي رياش أحمد بن إبراهيم القيسي؛ تحقيق داود سلوم، نوري حمودي القيسي؛ بيروت، عالم الكتب، مكتبة النهضة العربية، الطبعة الثانية، ۱۴۰۶هـ/۱۹۸۶م.
- الصاحبي في الفقه اللغة العربية و مسائلها و سنن العرب في كلامها؛ للعلامة الإمام أبي الحسين أحمد بن فارس بن زكريا الرازي اللغوي؛ تحقيق الدكتور عمر فاروق الطباع؛ بيروت، مكتبة المعارف، الطبعة الأولى، ۱۴۱۴هـ/۱۹۹۳م.
- الضَّراط المستقيم إلى مستحقِّ القديم؛ للشيخ زين الدين أبي محمد علي بن يونس العاملي التَّباطبي البياضي؛ تحقيق محمد الباقر البهبودي؛ طهران، مكتبة المرتضوية، الطبعة الأولى، ۱۳۸۴هـ.
- عيون أخبار الرضا (ع)؛ لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي؛ تحقيق الشيخ حسين الأعلمي؛ بيروت، مؤسسة الأعلمي، الطبعة الأولى، ۱۴۰۴هـ.
- عيون الأخبار؛ لأبي محمد عبدالله بن مسلم بن قتيبة الدينوري؛ تعليق و شرح يوسف علي طويل؛ بيروت، دارالكتب العلمية، الطبعة الثالثة، ۱۴۲۴هـ.
- الغدِير في الكتاب و السنَّة و الأدب؛ للشيخ عبدالحسين الأميني النجفي؛ طهران، دارالكتب الإسلامية، الطبعة السابعة، ۱۴۲۵هـ/۲۰۰۴م.
- الفصول المهمة في معرفة الأئمة (ع)؛ لعلي بن محمد بن أحمد المالكي المكي الشهير بابن الصَّبَّاح المالكي؛ طبع مطبعة العدل في النجف الأشرف، بتقديم توفيق الفكيكي.
- كشف الظنون عن أسامي الكتب و الفنون؛ للعالم الفاضل الاديب و المؤرخ الكامل الأريب مصطفى بن عبدالله الشهير بحاجي خليفه و بكتاب چلبی، عنی بتصحیحه و طبعة و تعليق حواشيه محمد شرف الدين يالتقاي و المعلم رفعت بيلگه الكليسي مع مقدمة للعلامة الحجة آية الله العظمى السيد شهاب الدين النجفي المرعشي، دار إحياء التراث العربي، بيروت، ۱۹۴۱م.
- كشف القناع عن متن الإقناع؛ للشيخ منصور بن يونس البهوتي الحنبلي؛ تحقيق محمد حسن اسماعيل الشافعي؛ بيروت، دارالكتب العلمية، الطبعة الأولى، ۱۴۱۸هـ.

سال سى و دووم، شماره سوم، مرداد و شهريور، ۱۴۰۰ | ۲۶۹ | معرفى كتاب «شعر الإمام الحسن بن على (ع)»
۱۸۹ آينه پژوهش | نقد و بررسى كتاب

- كتاب الفهرست؛ لأبي الفرج محمد بن إسحاق النديم؛ تحقيق دكتور أيمن فؤاد سيد؛ مؤسسة الفرقان للتراث الإسلامي، لندن، ۱۴۳۰هـ/۲۰۰۹م.
- كشف الغمّة في معرفة الأئمة (ع)؛ لأبي الحسن علي بن عيسى الإربلي؛ تحقيق علي آل كوثر؛ مركز الطباعة والنشر للمجمع العالمي لأهل البيت (ع)، دارالتعارف، بيروت، ۱۴۳۳هـ/۲۰۱۲م.
- اللُّبَاب في تهذيب الأنساب؛ لعزالدّين ابن الأثير الجزري؛ بيروت، دار صادر، ۱۴۰۰هـ/۱۹۸۰م.
- المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز؛ لأبي محمد عبدالحق بن غالب بن عبد الرحمن بن عطية الغرناطي؛ تحقيق عبد السلام عبدالشافي محمد؛ بيروت، دارالكتب العلمية، الطبعة الأولى، ۱۴۱۳هـ.
- مستطرفات السرائر (باب النوادر) [الجزء السابع من موسوعة ابن إدريس الحلّي]؛ لأبي عبد الله محمد بن أحمد بن إدريس العجلي الحلّي؛ تحقيق السيد محمد مهدي السيد حسن الموسوي الخرسان؛ منشورات دليل ما، مكتبة الروضة الحيدرية، قم، الطبعة الأولى، ۱۴۲۹هـ/۱۳۸۷ش.
- مسند أحمد بن حنبل؛ تحقيق أحمد محمد شاكر، حمزة أحمد الزين؛ دارالحديث، القاهرة، الطبعة الأولى، ۱۴۱۶هـ/۱۹۹۵م.
- المغني؛ لموفق الدين أبي محمد عبدالله بن أحمد بن محمد بن قدامة المقدسي الجماعيلي الدمشقي الصالح الحنبلي (۵۴۱-۶۲۰هـ)؛ تحقيق الدكتور عبدالله بن عبدالمحسن التركي، الدكتور عبدالفتاح محمد الحلو؛ دار عالم الكتب للطباعة والنشر والتوزيع، الرياض، الطبعة الثالثة، ۱۴۱۷هـ/۱۹۹۷م.
- مفردات ألفاظ القرآن؛ للراغب الإصفهاني؛ تحقيق صفوان عدنان داوودي؛ دارالقلم دمشق، الطبعة الرابعة، ۱۴۳۰هـ/۲۰۰۹م.
- مقاتل الطالبين؛ لأبي الفرج علي بن الحسين الإصفهاني؛ تحقيق كاظم المظفر؛ النجف الأشرف، المكتبة الحيدرية، الطبعة الثالثة، ۱۳۸۵هـ.
- مناقب آل أبي طالب؛ لأبي جعفر محمد بن علي بن شهر آشوب السروي المازندراني؛ تحقيق يوسف البقاعي؛ دارالأضواء، بيروت، الطبعة الثالثة، ۱۴۱۲هـ/۱۹۹۱م.
- الوفاي بالوفيات؛ لصالح الدين خليل بن ابيك الصّفّدي؛ تحقيق س. ديدرينغ، أيمن فؤاد سيّد، شكري فيصل؛ دارالنشر فرانزشتاينر شتوتغارت، النشرات الإسلامية أسسها هلموت ريتز، دار صادر، بيروت، الطبعة الثالثة، ۱۴۱۱هـ/۱۹۹۱م.
- وسائل الشيعة ومستدرکها؛ للشيخ محمد بن الحسن الحرّ العاملي وللمحدث الخبير الحاج ميرزا حسين نوري إعداد رحمة الله رحمتي؛ جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، مؤسسة النشر الإسلامي، قم المقدسة، الطبعة الثانية، ۱۴۳۵هـ/۱۳۸۴ش.
- وقعة صفين؛ لنصر بن مزاحم المنقري؛ تحقيق و شرح عبدالسلام محمدهارون؛ القاهرة، المؤسسة العربية الحديثة للطبع والنشر والتوزيع، الطبعة الثانية، ۱۳۸۲هـ.
- هدية العارفين في أسماء المؤلفين وأثار المصنفين؛ لإسماعيل باشا البغدادي؛ طبع بعناية وكالة المعارف الجليلة في مطبعتها البهية استانبول، اعادت طبعة بالوفست، دار إحياء التراث العربي، بيروت، ۱۹۵۱م.